

شنبه • ۲۵ بهمن ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۳۶ • ۹

روزنامه		
شرق		
روزنامه		
جامعه		
تبدیل یک معاشقه افراطی به یک بوم‌رنگ سیاسی		صفحه ۱۱
نادر قدیانی: چیزی به نام مافیای نشر را تکذیب می‌کنم		صفحه ۱۲
چند سطر درباره نمایش لهستانی «کتاب‌ها»		صفحه ۱۲

یادداشت
«تبعیض بانکی»
علی حیدری . کارشناس اجتماعی

مدتی است که عده‌ای به‌دنبال این هستند که بانک رفاه کارگران را از دست سازمان تامین‌اجتماعی و ۴۰میلیون سهامدار آن خارج کنند و برای تحقق امیال و مقاصد خود به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون‌اساسی استناد می‌کنند و می‌گویند سهام سازمان تامین‌اجتماعی بایستی در بانک رفاه کارگران به کمتر از ۱۰درصد تقلیل یابد در حالی که سازمان تامین‌اجتماعی اساسا دولتی نیست که بخواهد مشمول واگذاری‌ها، ذیل اصل ۴۴قانون‌اساسی باشد. جالب‌تر آن‌که همان قانون مورد استناد برای خارجی‌ها هیچ سقف سهمی قابل نشده و خارجی‌ها می‌توانند بدون هیچ حودمرزی در ایران صاحب بانک شوند.

طرفه‌تر آن‌که در قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی مصوب ۱۳۹۷/۱/۲۱ مجوز عام برای تاسیس بانک‌های غیردولتی داده شده است:

«ماده‌واحد – به‌منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرروزیان جامعه با توجه به ذیل اصل چهارم و چهار (۴۴) قانون‌اساسی و در چارچوب ضوابط، قلمرو و شرایط تعیین‌شده در زیر، اجازه تاسیس بانک توسط بخش غیردولتی داده می‌شود:

الف- سیاستگذاری پولی، اعتباری، ارزی، چاپ اسکناس، ضرب سکه، حفظ ذخایر ارزی، نظارت بر بانک‌ها و صدور مجوز فعالیت بانکی در قلمرو وظایف دولت بوده و جهت اعمال حاکمیت همچنان در اختیار دولت باقی می‌ماند.

ب- ضوابط مربوط به نحوه فعالیت بانک‌ها از قبیل رعایت نسبت‌های مالی تعیین‌شده جهت داشتن ساختار مالی سالم و نوع قراردادها و عقود و فعالیت‌های بانک‌ها طبق قوانین پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ و قانون عملیات بانکی بدون ربا خواهد بود.

ج- دولت می‌تواند به افراد حقیقی و حقوقی داخلی به شرط داشتن شرایط زیر مجوز فعالیت اعطاء نماید:

۱- داشتن تجربه و دانش لازم در این کار

۲- از نظر مالی توان تامین سرمایه لازم و انجام کار را داشته باشد.

۳- عدم داشتن هرگونه سوءپیشینه اعم از مالی و اخلاقی»
ولسی باوجود تاکید این‌ قانون بر توان داخلی و ملی، چندسال بعد متعاقب ابلاغ اصول و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و در قالب قانون اجرای اصل ۴۴ که بایستی فضای فراخ‌تر و زمینه موسیج‌تر برای فعالیت بخش‌های غیردولتی فراهم شود، در طی دو مرحله مضایق و محدودیت‌هایی برای ایرانی‌ها و سازمان‌ها، موسسات و نهادهای ایرانی اعمال شده است ولی در تبصره‌پنج ماده‌پنج آن، سهم طرف خارجی در بانک‌های مشترک ایرانی و خارجی از سقف‌های اعمال‌شده برای ایرانی‌ها و سازمان‌ها و موسسات و نهادهای ایرانی مستثنی شده است.
«ماده‌پنج- بانک‌های غیردولتی و موسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی که قبل و بعد از تصویب این قانون تاسیس شده یا می‌شوند و بانک‌های دولتی که سهام آنها واگذار می‌شود صرفا در قالب سهمی عام و تعاونی سهمی عام مجاز به فعالیت هستند. سقف مجاز تملک سهام به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برای هر شرکت سهمی عام یا تعاونی سهمی عام یا هر موسسه و نهاد عمومی غیردولتی ه‌درصد (۱۰٪) و برای اشخاص حقیقی و سایر اشخاص حقوقی پنج‌درصد (۵٪) تعیین می‌شود، معاملات بیش از سقف‌های مجاز در این ماده توسط هر یک از اشخاص مذکور باطل و ملغی‌الآثر است. افزایش سقف سهم مجاز از طریق اِرت نیز مشمول این حکم است و وارث یا اولیا قانونی آنها ملزم به فروش مازاد بر سقف، ظرف مدت دوماه پس از صدور گواهی حصر وراثت خواهند بود. افزایش قهری سقف مجاز سهام به هر طریق دیگر باید ظرف مدت سه‌ماه به سقف‌های مجاز این ماده کاهش یابد.

تبصره ۵- در تاسیس بانک مشترک ایرانی و خارجی سهم طرف خارجی از سقف‌های مندرج در این ماده مستثنی است.

۱- دولت جمهوری اسلامی ایران تنها مجاز است با مشارکت خارجی اقدام به تاسیس بانک توسعه نماید.

۲- اشخاص حقوقی خارجی با حداقل (۱۵٪) سهام ایرانی، ایرانی محسوب می‌شوند.»

به‌این‌ترتیب یک شهروند آمریکایی، اروپایی، آفریقایی، افغانی، عراقی، تاجیک و... می‌تواند در ایران بدون سقف و بدون حودمرز مالک سهام بانک شود، ولی ۴۰میلیون‌نفر ایرانی بیمه‌شده و مستمری‌بگیر که طی چنددهه ذخایر و سرمایه‌های خود را در بانک رفاه کارگران به ودیعت و امانت نهاده‌اند بایستی از این حق خود محروم شوند؟! آیا بر این امر نمی‌جز کاپیتولاسیون بانکی می‌تواند نهاد؟ و مشخص نیست چرا در قبال ده‌ها و صدها موسسه مالی و اعتباری و نهادهای پولی و بانکی و مالی مشابه آنکه تحت نظارت بانک مرکزی قرار ندارند (و جالب اینکه عضو شبکه شتاب هستند؟!‌) با مورد تایید آن نیستند هیچ واکنشی و کنشی مشاهده نمی‌شود و تنها معضل نظام بانکی کشور، همین بانک رفاه کارگران است که اتفاقا سهم‌های‌عام‌ترین نهاد بانکی کشور است چرا که حدود ۴۰میلیون سرمایه‌گذار و سهام‌دار از اقشار و مردم تلاشگر جامعه دارد.

ادامه در صفحه ۱۰

شنبه • ۲۵ بهمن ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۳۶ • ۹

روزنامه		
شرق		
روزنامه		
جامعه		
تبدیل یک معاشقه افراطی به یک بوم‌رنگ سیاسی		صفحه ۱۱
نادر قدیانی: چیزی به نام مافیای نشر را تکذیب می‌کنم		صفحه ۱۲
چند سطر درباره نمایش لهستانی «کتاب‌ها»		صفحه ۱۲

یادداشت
دوگانه‌های برنامه‌و‌بودجه
شهر تهران
محمد حقانی،

شهرداری‌ها به‌عنوان یک نهاد عمومی وظایف گسترده، پیچیده و متنوعی برعهده دارند. روح حاکم بر قوانین مرتبط به این نهاد، مدیریت اجرایی شهر است؛ اما در عمل شهرداری‌ها و نهادهای اجرایی چنگانه دولتی و غیردولتی دچار تعارض‌های متعدد هستند. نشانه روشن این تعارض‌ها در نظام برنامه‌بودجه به‌خوبی نمایان است با آنکه شهر سیستمی یکپارچه است و کارکردها و فرآیندهای آن در تعامل با همدیگر فعالیت می‌کنند ولی هیچ‌گاه برنامه‌بودجه آن یکپارچه نیست. هرچند در تبصره ۳۲ ذیل ماده۷۱ قانون شوراهای اسلامی کشوری (الحاقی ۱۳۸۲/۷/۱۶) بیان شده است واحدهای شهرستانی تمامی سازمان‌ها و موسسات عمومی غیردولتی که در زمینه ارایه خدمات شهری وظایفی را برعهده دارند، موظفند برنامه سالانه خود درخصوص خدمات شهری را مستقیماً به شهرداری ارائه دهند. در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده، به شورا ارایه کنند. با آنکه در این قانون الزامی برای تصویب برنامه‌بودجه سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی خدمات‌رسان شهرداری‌ها هم به‌نحوی خارج از شهرداری نشده ولی در شهر فعالیت می‌کنند ارایه شده است، ولی می‌توان با استناد به اصل یکصدوسوم قانون اساسی نتیجه گرفت که ارایه برنامه‌بودجه مندرج در بند۳۲ به‌مثابه تصویب آن برنامه‌بودجه در شورای شهر است. این‌وزیرها که مطابق با قانون، شهردار تهران بودجه سال۱۳۹۴ شهرداری را برای بررسی و تصویب به شورای شهر ارسال کرده است جدا از ایـزادات و نارسایی‌های محتوایی و ساختاری بودجه شهرداری، آنچه که این بررسی و تصویب را با چالش مواجه می‌کند، عدم‌اطلاع، اشتباهی و آگاهی از برنامه‌بودجه سایر نهادها و دستگاه‌های خدمات‌رسان شهری است. با آنکه شرایط اقتصادی کشور به‌واسطه تحولات ناپایدار قیمت نفت و همچنین تحریم‌ها و تغییرات سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توسط مقام‌عظم‌رهبری دارای مختصات و مولفه‌های انقباضی است، ولی بودجه ارسانی شهرداری فاقد این اسلوب‌ها و به‌ویژه شرایط انقباضی است. راه انقباضی‌کردن و به عبارت دقیق‌تر انقباض‌پذیری بودجه شهرداری تهران در سال۱۳۹۴، بودجه‌ریزی عملیاتی است.

سال۱۳۹۳ این رویکرد مورد تاکید و تایید اعضای شورای شهر تهران بود، به نحوی که در تبصره سی‌وهفتم مصوبه بودجه بیان و مصوب شد: «شهرداری تهران مکلف است بودجه سال۱۳۹۴ را صرفاً منطبق با عملکرد و بودجه‌ریزی عملیاتی، تدوین کند و تا پایان ترم‌ماه۱۳۹۳ چارچوب‌های تهیه بودجه بر این اساس تهیه و به شورای شهر ارایه شود.» شهرداری تهران چارچوب‌ها را در زمان مقرر ارسال نکرد، شورای شهر به‌ناچار خود موضوع را در قالب طرح پیش برد، ولی انطباق آن احکام با لایحه بودجه نشان می‌دهد که اصولاً در لایحه نشان می‌دهد که همانا بودجه‌ریزی عملیاتی‌ای که همانا بودجه‌ریزی بر مبنای خدمت و فعالیت است دیده نمی‌شود.

رییس کمیته محیط‌زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران

شهرداری‌ها به‌عنوان یک نهاد عمومی وظایف گسترده، پیچیده و متنوعی برعهده دارند. روح حاکم بر قوانین مرتبط به این نهاد، مدیریت اجرایی شهر است؛ اما در عمل شهرداری‌ها و نهادهای اجرایی چنگانه دولتی و غیردولتی دچار تعارض‌های متعدد هستند. نشانه روشن این تعارض‌ها در نظام برنامه‌بودجه به‌خوبی نمایان است با آنکه شهر سیستمی یکپارچه است و کارکردها و فرآیندهای آن در تعامل با همدیگر فعالیت می‌کنند ولی هیچ‌گاه برنامه‌بودجه آن یکپارچه نیست. هرچند در تبصره ۳۲ ذیل ماده۷۱ قانون شوراهای اسلامی کشوری (الحاقی ۱۳۸۲/۷/۱۶) بیان شده است واحدهای شهرستانی تمامی سازمان‌ها و موسسات عمومی غیردولتی که در زمینه ارایه خدمات شهری وظایفی را برعهده دارند، موظفند برنامه سالانه خود درخصوص خدمات شهری را مستقیماً به شهرداری ارائه دهند. در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده، به شورا ارایه کنند. با آنکه در این قانون الزامی برای تصویب برنامه‌بودجه سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی خدمات‌رسان شهرداری‌ها هم به‌نحوی خارج از شهرداری نشده ولی در شهر فعالیت می‌کنند ارایه شده است، ولی می‌توان با استناد به اصل یکصدوسوم قانون اساسی نتیجه گرفت که ارایه برنامه‌بودجه مندرج در بند۳۲ به‌مثابه تصویب آن برنامه‌بودجه در شورای شهر است. این‌وزیرها که مطابق با قانون، شهردار تهران بودجه سال۱۳۹۴ شهرداری را برای بررسی و تصویب به شورای شهر ارسال کرده است جدا از ایـزادات و نارسایی‌های محتوایی و ساختاری بودجه شهرداری، آنچه که این بررسی و تصویب را با چالش مواجه می‌کند، عدم‌اطلاع، اشتباهی و آگاهی از برنامه‌بودجه سایر نهادها و دستگاه‌های خدمات‌رسان شهری است. با آنکه شرایط اقتصادی کشور به‌واسطه تحولات ناپایدار قیمت نفت و همچنین تحریم‌ها و تغییرات سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توسط مقام‌عظم‌رهبری دارای مختصات و مولفه‌های انقباضی است، ولی بودجه ارسانی شهرداری فاقد این اسلوب‌ها و به‌ویژه شرایط انقباضی است. راه انقباضی‌کردن و به عبارت دقیق‌تر انقباض‌پذیری بودجه شهرداری تهران در سال۱۳۹۴، بودجه‌ریزی عملیاتی است.

سال۱۳۹۳ این رویکرد مورد تاکید و تایید اعضای شورای شهر تهران بود، به نحوی که در تبصره سی‌وهفتم مصوبه بودجه بیان و مصوب شد: «شهرداری تهران مکلف است بودجه سال۱۳۹۴ را صرفاً منطبق با عملکرد و بودجه‌ریزی عملیاتی، تدوین کند و تا پایان ترم‌ماه۱۳۹۳ چارچوب‌های تهیه بودجه بر این اساس تهیه و به شورای شهر ارایه شود.» شهرداری تهران چارچوب‌ها را در زمان مقرر ارسال نکرد، شورای شهر به‌ناچار خود موضوع را در قالب طرح پیش برد، ولی انطباق آن احکام با لایحه بودجه نشان می‌دهد که اصولاً در لایحه نشان می‌دهد که همانا بودجه‌ریزی عملیاتی‌ای که همانا بودجه‌ریزی بر مبنای خدمت و فعالیت است دیده نمی‌شود.

رییس کمیته محیط‌زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران

شهرداری‌ها به‌عنوان یک نهاد عمومی وظایف گسترده، پیچیده و متنوعی برعهده دارند. روح حاکم بر قوانین مرتبط به این نهاد، مدیریت اجرایی شهر است؛ اما در عمل شهرداری‌ها و نهادهای اجرایی چنگانه دولتی و غیردولتی دچار تعارض‌های متعدد هستند. نشانه روشن این تعارض‌ها در نظام برنامه‌بودجه به‌خوبی نمایان است با آنکه شهر سیستمی یکپارچه است و کارکردها و فرآیندهای آن در تعامل با همدیگر فعالیت می‌کنند ولی هیچ‌گاه برنامه‌بودجه آن یکپارچه نیست. هرچند در تبصره ۳۲ ذیل ماده۷۱ قانون شوراهای اسلامی کشوری (الحاقی ۱۳۸۲/۷/۱۶) بیان شده است واحدهای شهرستانی تمامی سازمان‌ها و موسسات عمومی غیردولتی که در زمینه ارایه خدمات شهری وظایفی را برعهده دارند، موظفند برنامه سالانه خود درخصوص خدمات شهری را مستقیماً به شهرداری ارائه دهند. در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده، به شورا ارایه کنند. با آنکه در این قانون الزامی برای تصویب برنامه‌بودجه سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی خدمات‌رسان شهرداری‌ها هم به‌نحوی خارج از شهرداری نشده ولی در شهر فعالیت می‌کنند ارایه شده است، ولی می‌توان با استناد به اصل یکصدوسوم قانون اساسی نتیجه گرفت که ارایه برنامه‌بودجه مندرج در بند۳۲ به‌مثابه تصویب آن برنامه‌بودجه در شورای شهر است. این‌وزیرها که مطابق با قانون، شهردار تهران بودجه سال۱۳۹۴ شهرداری را برای بررسی و تصویب به شورای شهر ارسال کرده است جدا از ایـزادات و نارسایی‌های محتوایی و ساختاری بودجه شهرداری، آنچه که این بررسی و تصویب را با چالش مواجه می‌کند، عدم‌اطلاع، اشتباهی و آگاهی از برنامه‌بودجه سایر نهادها و دستگاه‌های خدمات‌رسان شهری است. با آنکه شرایط اقتصادی کشور به‌واسطه تحولات ناپایدار قیمت نفت و همچنین تحریم‌ها و تغییرات سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توسط مقام‌عظم‌رهبری دارای مختصات و مولفه‌های انقباضی است، ولی بودجه ارسانی شهرداری فاقد این اسلوب‌ها و به‌ویژه شرایط انقباضی است. راه انقباضی‌کردن و به عبارت دقیق‌تر انقباض‌پذیری بودجه شهرداری تهران در سال۱۳۹۴، بودجه‌ریزی عملیاتی است.

گفت‌وگو با مرتضی طباطبایی، شهردار ۶۶ تا ۶۸ تهران

تا ۶ سال آینده تراکم را در تهران فروخته‌اند

مهندس موسوی گفت بدعت فروش تراکم را تو نگذار



زواره‌ای شهردار بود و من در دوران آقای نیک‌روش قائم‌مقام شورا شدم و در ادامه زمانی که محمداکرم سیفیان شهردار شد من به‌عنوان سفیر ایران در مکزیک به وزارت خارجه رفتم.

با رفتن من به وزارت خارجه، دبیرخانه انجمن شهر تعطیل و به وزارت کشور برگشت و مصوبات را خود وزیر امضا می‌کرد. این شرایط مشکلاتی را ایجاد کرد و حجت‌الاسلام ناطق توری برای حل این مساله سراغ مرا گرفت، من پیشنهاد کردم شورایی سه‌نفره متشکل از من، کارزونی - معاون فنی وزارت کشور- و کامروا - معاون مسکن و شهرسازی- تشکیل شود تا تمام تصمیمات و اتفاقات شهرداری را بررسی و به اطلاع وزیر برسانم تا انجمن تعطیل نشود. سه، چهار ماه این روند اجرایی شد اما بعد انجمن شهر منحل شد. آقای کارزونی وزیر مسکن شد و من و آقای کامروا هم نتوانستیم برای انجمن بیاییم. در سال۶۵ آقای محتشمی به من پیشنهاد داد با توجه به سابقه‌ام در شورا، دبیرخانه را مجدد تشکیل دهم و برای انتخابات شوراها فضا را آماده کنم و این‌طور بود که من دوباره به وزارت کشور آمدم.

در این دوران موشک‌های صدام به تهران رسیده بود و تمام وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی موظف بودند در پشت جبهه به جنگ کمک کنند. آقای حبیبی در آن زمان شهردار تهران بود و همه لودرها و بولدورها و تجهیزات شهری را برای جنگ فرستاده بودند و مدیریت شهرداری در آن هشت‌سال- ۶۰ تا ۶۸- خیلی مشکل بود و حتی ماشین‌های اداری لاستیک نداشتند و هم‌زمان بی‌مهری‌هایی هم به شهرداری شد.

در اواخر سال۶۵ شهرداری ۲/۵میلیاردتومان بدهی داشت و حتی شرایط پرداخت حقوق یک‌ماه دیگر کارگران را هم نداشت. با آقای حبیبی و تعدادی از کارشناسان تصمیم به تحولی در شهرداری گرفتم و شخصا در جلسه‌ها حضور داشتم تا اینکه سیل تجربیش اتفاق افتاد و در ادامه فشار مالی و سیاسی زیادی روی شهردار بود و آقای حبیبی استعفا داد.

۱۱ اختلافات و فشارها علیه شهردار بود یا جریان خاصی در شهرداری؟ طباطبایی: مسایل سیاسی نبود. چون شهرداری مال مردم و در تماس مستقیم با مردم است، کوچک‌ترین ناپسامانی‌ای باعث شکایت می‌شود. همه این مشکلات هم‌زمان با جنگ و ورود مهاجران به تهران بود و مساله ساخت‌وسازهای غیرمجاز مشکلات زیادی ایجاد می‌کرد. مثلاً در آن زمان حاکم شرع زمین‌هایی را در سعادت‌آباد بدون سند و تعیین مالکیت تقسیم کرد و روی یک‌تکه کاغذ دست مردم داد. مردمی که طرف این تقسیم‌بندی بودند اکثراً از خانواده‌هایی بودند که پدرانشان در جبهه می‌جنگیدند و عموماً از بچه‌های سپاه و سیچ یا کارمند سازمان‌های مختلف بودند. مساله این است که آنها هر فردی که بودند شهرداری موظف بود جلو ساخت‌وساز غیرمجاز را بگیرد چراکه این افراد جز همان یک‌تکه کاغذ چیزی نداشتند.

مشکلات آن‌روز شهرداری بسیار بود و به‌عنوان مثال در زمان مسوولیت آقای سیفیان مسوولیت کمیسیون ماده ۱۰۰ را از شهرداری گرفتند و به دادگستری دادند که این اقدام ناپسامانی‌های زیادی در پرونده‌ها ایجاد و شهرداری را هم تبدیل به یک شیر بی‌بال‌دم کرده بود. همه توقع داشتند در آن شرایط بعد از انقلاب و دوران جنگ و موشکیاران شهرداری جلو تخلفات را بگیرد، شهر را اداره و درعین‌حال عمران و آبادی هم ایجاد کند. با این وجود در جریان آن موشکیاران‌ها، آتش‌نشانی و خدمات شهری اولین ارگان‌های حاضر بودند به نحوی که در اواخر دوران جنگ به محض بلندشدن صدای آژیر آقای طبرانی نگاهي به آسمان می‌کرد و می‌گفت فلان منطقه و کدام محله و نیروها اعزام شوند. در آن زمان شهرداری پول نداشت و دولت هم پولی نداشت که بدهد و می‌گفت خودکفا شوید. مثلاً برای روکش پل‌ها چسبی به نام اپاکسی می‌خواستیم که باید با آسفالت مخلوط می‌شد و هیچ چیز جایگزینی نداشت و باید آن را از خارج کشور وارد می‌کردیم و اِز هم نداشتیم.

در آن زمان با شرط‌وشروطی هم‌زمان مسوولیت شهرداری و قائم‌مقامی شوراها را پذیرفتم در شرایطی که اختیارات شهردار برای ۲۰۰۱سال پیش از من بود و وضعیت که چندین مارک برای اتوبوس‌ها وجود دارد و تهیه نیمه‌تمام وجود داشت. به‌دلیل این اشتراک مسوولیت، حکم ما مصوبه انجمن شهر را هم داشت و بعدها قطعی می‌شد. پس از مدتی متوجه اشکالات اساسی در مورد کمیسیون ماده ۱۰۰ شدیم. آن موقع آقای ملک‌مدنی، شهردار اصفهان با من تماس گرفت و گفت اگر هیچ‌کاری نکنی و فقط کمیسیون ماده ۱۰۰ را برگردانی، بزرگ‌ترین خدمت را کرده‌ای چون عملاً ما فلج شده‌ایم و هیچ‌کاری نمی‌توانیم در برابر تخلفات انجام دهیم.

در نهایت با همان روشنی که کمیسیون ماده ۱۰۰ را گرفته بودند، آن را برگرداندم چراکه روال قانونی طول می‌کشید و به دوران ما وصال نمی‌داد. حکم کمیسیون ماده ۱۰۰ با حکم آقای گیلانی گرفته شده بود و به ایشان گفته شده بود که کمیسیون ماده ۱۰۰ اقدام به قضاوت می‌کند و باید زیر نظر دادگستری باشد، در صورتی که ماده ۱۰۰ قضاوت نداشت. برای بازگرداندن این کمیسیون دست‌به‌دامن آیت‌الله موسوی‌اردبیلی که از طرف امام(ره) حاکم شرع بود، شدم و با استدلال قانونی ما قبول کرد و گفت که از اول نباید این اتفاق می‌افتاد. راه‌حل را پرسیدم گفت باید برای ورود وِیژه ولایت امر اقدام کنید. نامه‌ای خدمت امام نوشتم که چنین مشکلی داریم و امام هم گفتند آقای اردبیلی نظرش را اعلام کند. آقای اردبیلی نظرش را زیر نامه نوشت و ده‌هه بعد که خدمت امام رفتم گفتند رییس قوه‌مجره که آن زمان آیت‌الله خامنه‌ای بود، نظر دهند.

ادامه در صفحه ۱۰

را در ۴۰روز انجام دادند. تمام نارسایی‌ها و مشکلات شرکت واحد را منتقل و بعد از بررسی با شهرداری به وزارت کشور منعکس کردیم و آنها هم به دولت گزارش دادند.

طبرانی: شرکت واحد در آن زمان حدود ۱۳هزارنفر پرسنل شامل راننده تا کارمند و کمک‌راننده و... و ۱۰، ۱۵ماد ماشین از بنز ۳۰۱ تا شورت و... داشت. بی‌سروسامانی در مجموعه بسیار بود. مثلاً کنار اتاق مدیرعامل، یک پمپ گازویل بود که انواع خودروها بدون هیچ محدودیتی از آن استفاده می‌کردند اما کنترلی روی آن نبود و هیچ‌کس خودش را مسوول نمی‌دانست.

از سوی دیگر همیشه شرکت واحد برای پرداخت حقوق، سوءمدیریت و عدم کنترل هزینه، مشکل داشت. همواره ضررده بود و مدام از شهرداری و ارگان‌های دیگر کمک می‌خواستند. در زمان ورود ما چندین‌میلیون قطعه یدکی در انبار وجود داشت که خاک‌گرفته و بلااستفاده بود، همه این وسایل یدکی نو بودند اما ماشین‌ها اسقاط می‌شدند و اصلاً کسی به این شرایط توجه نمی‌کرد.

۱۲ آن موقع حسابرسی از مجموعه‌های شهرداری مثل اتوبوسرانی وجود نداشت؟
طبرانی: اصلاً حسابرسی نمی‌کردند.

۱۳ یعنی کلاً در شهرداری واحد حسابرسی نبود؟

طبرانی: شهرداری واحد حسابرسی داشت که زیرنظر شهردار بود. اما شرکت واحد محیط کارگری بود و درعین‌حال شرایط و مسایل بعد از انقلاب تکالیف قانونی را تغییر داده بود و بسیاری از وظایف انجام نمی‌شد. در مسایل مربوط به صندوق پرداخت‌ها، اتوبوس‌ها، سوخت و طرح‌های عمرانی مشکلات زیادی وجود داشت. شاید اگر یک مدیر داخلی خوب آن‌موقع آنجا وجود داشت و مدیریت هزینه می‌کرد این مشکلات ایجاد نمی‌شد.

مدیرعامل وقت اتوبوسرانی، ولی‌الله چهپور، از آن انسان‌های دوآتشه و مسلمان بود که به وقتش دست‌به‌آچار هم می‌شد اما سطح مدیریتی‌اش در حد اداره یک گازآر مسافربری بود و امکان مدیریت تشکیلات شهری و ناوگان عظیم حمل‌ونقل شهری را نداشت.

طباطبایی: یکی از مسایل مهمی که در شهرداری و به‌خصوص اتوبوسرانی مشکل‌ساز شده بود، بزرگ‌شدن تهران و طولانی‌شدن مسیرها بود. بلیت اتوبوس توپخانه تا تجریش که مثلاً پنج‌قران بود، کفاف نمی‌داد و باید بلیت را گران می‌کردیم. یک‌بار که خدمت امام بودم صحبت افزایش قیمت بلیت‌ها مطرح شد. امام در حیاط خانه‌شان قدم می‌زد و من شرحی از شرکت واحد دادم و گفتم یکی از کارهای اولیه افزایش قیمت بلیت است. همان‌طور که ایشان قدم می‌زدند، وقتی صحبت از گرانی بلیت کردم ایستادند و گفتند آقای طباطبایی تو با اتوبوس سرکار می‌روی یا من؟ گفتم حضرت‌عالی که بیرون نمی‌روید و من هم که ماشین می‌برم، گفتند ۵قران پول یک نان است و شکم دو، سه پیچه را سیر می‌کند. اگر می‌خواهید دولت‌تان دوام داشته باشد باید برای توده مردم رفاه ایجاد کنید نه اینکه سربارشان شوید. به حمل‌ونقل عمومی و اتوبوس‌ها از هر جایی که می‌توانید سوسید بدهید، گرانی معنا ندارد.

۱۴ امام در حیاط خانه‌شان قدم می‌زد و من شرحی از شرکت واحد دادم و گفتم یکی از کارهای اولیه افزایش قیمت بلیت است. ایستادند و گفتند آقای طباطبایی تو با اتوبوس سرکار می‌روی یا من؟ گفتم حضرت‌عالی که بیرون نمی‌روید و من هم که ماشین می‌برم، گفتند ۵قران پول یک نان است و شکم دو، سه پیچه را سیر می‌کند. اگر می‌خواهید دولت‌تان دوام داشته باشد باید برای توده مردم رفاه ایجاد کنید

بعد از این تیمی تشکیل و گزارشی آماده شد و بررسی کردند؛ برخی مسیرها را دو قسمتی کردند و قرار شد ماشین‌الازم برای خطوط اصلاح شود و از ضرورت‌های موجود احداث اتوبوس‌ها و معاونت خدمات شهری و امور مناطق از هم جدا شدند و بعد هم برای مدتی مسوولیت معاونت خدمات شهری را به من سپردند.

طباطبایی: مناطق شهرداری از ۱۲ به ۲۰ منطقه رسیده و جنگ به باعث آمدن مهاجرها به تهران شده بود. کار و امکانات در تهران بیشتر بود و مردم را به تهران می‌کشاند و به همین دلایل شهرداری بعد انقلاب و دوران آقای توسلی تا سال ۶۰ بسیار به هم ریخته بود و بعد هم انجمن‌های اسلامی درگیر شدند و مسایل جاری شروع شد. بعد از آقای توسلی حدود چهارماه آقای



معمومه اصغری

شهردار سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸
خصوصیات مشترکی با سایر مسوولان پس از انقلاب دارد اما به‌خاطر یک نسبت باید او را از سایر شهرداران و حتی مسوولان متفاوت کرد. نمی‌شود نسبت خانوادگی با امام خمینی(ره) و امام موسی‌صدر را در ارتباطات سیدمرتضی طباطبایی نادیده گرفت، چراکه این امتیاز باعث شده او برخلاف دیگران که با واسطه و سفارش با امام و سایر مسوولان دیدار می‌کردند، به‌راحتی از این امتیاز برخوردار باشد.

تفاوت مهم‌تر سیدمرتضی طباطبایی برعکس شهرداران دیگر این است که او به‌خوبی می‌دانست قانون ابزار دستش کارایی ندارد و به همین دلیل در اختیار داشتن هم‌زمان مسوولیت قائم‌مقامی شوراها و شهرداری تهران را شرط پذیرفتن این مسوولیت می‌گذارد تا خلأ ناکارآمدی قانون اندکی پر شود. تجربه طباطبایی در برگرداندن مسوولیت کمیسیون‌های ماده ۱۰۰، مشورت مستقیم با امام در مورد اتوبوسرانی و کمبود آب، ... و حل مشکلات آن تجربه‌ای است که می‌توان به جرات گفت در سال‌های پس از وی نه‌تنها دیگر تکرار نشده، بلکه شهردار تهران به‌جز دوره کرباسچی در سایر دوره‌ها حتی از رفتن به هیات دولت هم کنار گذاشته شده است.

با خاطراتی که شهردار اسبق تهران و همکارش تعریف می‌کنند مشخص می‌شود که سابقه بسیاری از اتفاقات پس از انقلاب تا دوران او و چه‌ستا امروز هم ادامه داشته و دارد. طباطبایی و پایتخت در سال‌هایی که درگیر دو حادثه بزرگ انقلاب و جنگ، آن هم پشت‌سرهم بوده‌اند، با سیل‌ها و پس‌زدن‌های فاضلاب، بمباران، محله‌های غرق‌شده در فساد و اعتیاد و درعین‌حال بی‌پولی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند.

او با وجود کمبود منابع مالی، پیشنهاد فروش تراکم را با مشورت نخست‌وزیر وقت قبول نمی‌کند تا «پایه‌ریز این بدعت نباشد» و در عوض ترجیح می‌دهد با اصلاحات ساختاری مشکلات ساخت‌وساز را در تهران حل کند.

طباطبایی در بیان جزئیات آن سال‌ها از همکاری و دوست سابق خود کمک می‌گیرد و به همین دلیل در بخش‌هایی از این گفت‌وگو توضیحات تکمیلی را - حسین - معاون او که بعدها اولین شهردار منطقه ۲۱ شد، ارایه می‌شود.

۱۵ مرتضی طباطبایی قبل از انقلاب و شهردارشدن کجا بود؟

طباطبایی: در سال۵۱ که دانشجوی مهندسی راه و ساختمان و شهرسازی بودم به‌عنوان پلیس ساختمان به شهرداری و بخش مربوط به طرح تفصیلی رفتم. از سال۵۴ و بعد ازدواج با نوه حضرت امام (خواهر من خانم حاج‌احمد آقااست) وارد کارهای سیاسی شدم اما پس از مدتی اقداماتمان لو رفت و قرارادمان را به تعویق انداختند و بالاخره یکی از دوستان اعلام کرد که به‌زودی سراغ همه ما از جمله شما هم می‌آیند. آن‌روز‌ها من و همسر هنوز عقدکرده بودیم و چون منتظر این موضوع بودم مدارکم را از قبل ترجمه کرده بودم و قبل اینکه ساواک به سراغم بیاید، با خانم از ایران رفتم. در ادامه با برادرم که در آلمان اتحادیه انجمن‌های اسلامی را می‌چرخاند همراه شدیم و بعد به لبنان و نزد امام‌موسسی صدر که دایی من است رفتم و با مهندس مصطفی چمران آشنا شدم و تا انقلاب آنجا بودم.

۱۶ چه شد که برای این مسوولیت معرفی شدید؟

طباطبایی: بعد از انقلاب رشته معماری و شهرسازی را ادامه دادم و مدت کوتاهی به تلویزیون و کمیته‌ها همکاری کردم اما کار دولتی‌ام را با حکم آیت‌الله مهدوی‌کنی - وزیر وقت کشور آغاز کردم و در سال۵۸ فرماندار خراسان و در سال ۶۰ مسوول شوراها شدم. چون قانون می‌گوید اگر شورا به هر دلیلی منحل شود، وزارت کشور جانشین شوراها می‌شود و چون انجمن شهر پس از انقلاب منحل شده بود، وزیر کشور فردی را به‌عنوان قائم‌مقام خودش در شهرداری تهران با انجمن شهر منصوب کرده بود. البته در سال ۶۱ به وزارت خارجه رفتم و دوباره در سال۶۵ به ایران برگشتم.

۱۷ شرایط آن‌روز‌های شهرداری از نگاه شما به‌عنوان یک مسوول بیرونی چطور بود؟

طباطبایی: در سال۶۰ که دوران مسوولیت شهید محمدعلی رجایی بود، شهرداری به هم ریخته شده بود و مرتب شهرداران تغییر می‌کردند. زمانی که من قائم‌مقام شورا شدم، آقای نیک‌روش شهردار تهران بود و یکی از مسایل مهم چالشی آن زمان که فکر می‌کنم هنوز هم بسیاری از آنها حل نشده، شرکت واحد بود. توده مردم با این مجموعه سروکار داشتند و وضعیت آن خیلی به‌هم‌ریخته بود و با حدود ۱۳هزار پرسنل و تعدد ماشین‌ها با مدل‌های مختلف طبیعتاً تهیه قطعات و لوازم یدکی هم مشکل بود.

۱۸ آن زمان سندیکاها فعالیت داشتند؟

طبرانی: خیر.
طباطبایی: اوضاع اتوبوسرانی به‌هم‌ریخته بود و کم‌کم شکایت به سطح امام رسید و دولت به وزارت کشور دستور داد تا اوضاع را بررسی کند. وزیر هم به من نامه فرستاد و من هم با توجه به شناختی که از آقای طبرانی داشتم، وی را مسوول کردم. آن زمان ایشان مسوول اموال و تدارکات وزارت خارجه بود و در آن موقع ۲۵سال سابقه داشتند و جزو کارمندان باسابقه وزارت خارجه بودند و با تجربه‌ای که داشتند، کاری که باید در سه، چهارماه انجام می‌شد